

پلورالیسم دینی



ولی الله عباسی

معنای پلورالیسم

واژه «پلورالیسم» (pluralism) از «پلورال» (plural) به معنای «تجمع» و «کثرت» می‌باشد و پلورالیسم یا کثرت‌گرایی که نقطه مقابل حصرگرایی است، به معنی پذیرش کثرت، تعدد‌پذیری و تکثرانگاری است و در برابر نفی کثرت که یا تأیید وحدت است و یا تأیید قلت قرار دارد.^۱

امروزه، پلورالیسم یا تکثرگرایی معنای دیگری پیدا کرده و تفسیر پلورالیستها متفاوت با معانی لغوی آن است. در این معنی، پلورالیسم به

مکتبی (مکتب فکری، دینی، فرهنگی و...) گفته می‌شود که «حقیقت»، «نجات» و «فلاح و رستگاری» را منحصر در یک تفکر، دین، فرهنگ و... نداند، بلکه همه این مؤلفه‌ها را مشترک بین همه مکتبها بداند؛ به نحوی که در همه آنها چه به صورت برابر و چه به صورت نابرابر توزیع شده است. بنابراین، هیچ فرهنگ، اندیشه و دینی بر سایر فرهنگها، اندیشه‌ها و ادیان، برتری ندارد و پیروان هر آیینی در صراط مستقیم

۱. فرهنگ حیم، ص ۴۶۸.

هستند و همه آنها از نجات، حقیقت و رستگاری برخوردارند.^۱

قلمرو و حوزه‌های پلورالیسم

«پلورالیسم» در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلفی مطرح شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. پلورالیسم اجتماعی - سیاسی

پلورالیسم اجتماعی و سیاسی به مفهوم گرایش به کثرت، تعدد و افزایش کمی و کیفی احزاب، جمعیتها، انجمنها و تنوع آراء و عقاید، در جهت مصالح جامعه به کار رفته است. در پلورالیسم اجتماعی، لزوم تحکیم مبانی امور فوق و تشویق، ترغیب و هدایت مردم جامعه به سوی احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی، اقتصادی، تعلیم و تربیت، فرهنگ و نیز اتحادیه‌ها و سندیکاها، شغلی تأیید می‌گردد تا از راه مشارکت همه جانبه مردم در امور عامه، مصلحت امور عمومی تأمین شود و اداره امور جامعه، توانی بیشتر و گسترده‌تر یافته و ترقی یابد. تحمل آراء و عقاید و نیز تساهل و تسامح و داشتن رفتار معتدل با احزاب و جمعیتها، انجمنها،

اتحادیه‌ها و سندیکاها، شرط لازم برای تحقق پلورالیسم است.^۲

۲. پلورالیسم فرهنگی

در این عرصه، تعدد و تکثر فرهنگها، به ویژه در آداب و رسوم اجتماعی و تمایز آشکار آن با فرهنگهای دیگر، مورد پذیرش و دارای جایگاه رسمی است. طبق این نظریه، رفتارهای فرهنگی هر قوم، راه کارها و راهبردهایی هستند که بسته به شرایط جغرافیایی، زیست محیطی و نژادی، نحوه تغذیه آن قوم و... در حوزه عقل جمعی شکل گرفته است و در هر حال، باید به آن احترام گذاشت و گوناگونی آن را پذیرفت. در واقع، پلورالیسم فرهنگی، تبیینی از چرایی این گوناگونیهای ادغام‌ناپذیر است.^۳

۳. پلورالیسم معرفتی

پلورالیسم معرفتی - یعنی شناختی که انسانها از یک حقیقت

۱. ر.ک: درآمدی بر کلام جدید، هادی صادقی، انجمن معارف و کتاب طه، ص ۳۴۰-۳۴۱.
 ۲. جامعه مدنی و حاکمیت دینی، عبدالحسین خسروپناه، انتشارات وثوق، ص ۱۹۷.
 ۳. فرهنگ واژه‌ها، مؤسسه اندیشه دینی، عبدالرسول بیات و دیگران، ص ۱۴۳.

دارند - متنوع و متکثر است و این تنوع فهمها و معرفتها غیر قابل تبدیل و کاهش به یک معرفت است؛ بلکه همه اینها در عرض هم واقع شده‌اند و هیچ یک از این معرفتها نسبت به دیگری ترجیح ندارند.^۱

۴. پلورالیسم دینی

این نوع پلورالیسم که بحث محوری این نوشتار است، وقتی به بهترین وجه روشن می‌شود و هنگامی می‌توان به شناخت دقیق‌تری از آن دست یافت که با توجه به تاریخ و در کنار سایر رقبایش مورد مطالعه قرار گیرد. به همین خاطر، بعد از معرفی رقیبهای مختلف پلورالیسم دینی، به خاستگاه و بستر تاریخی آن اشاره خواهیم کرد.

به طور کلی، در مواجهه با پدیده دین و مسئله تعدد و تنوع ادیان، موضع‌گیریهای متفاوت - و گاه متضاد - صورت گرفته است که عبارت‌اند از:

الف) طبیعت‌گرایی^۲

طبیعت‌گرا به کسی گفته می‌شود که قائل است چیزی بیش از طبیعت وجود ندارد. طبیعت‌گرا، دین سنتی را

که بر اساس اعتقاد به ماوراء طبیعت بنا شده - مردود می‌شمارد؛ اما این لزوماً بدان معنا نیست که دین را بما هو دین مردود شمارد. بسیاری از طبیعت‌گرایان برای دین سنتی، جایگزینی در نظر می‌گیرند که کارکردهای نوعی دین را داراست، بدون اینکه مدعایی فراتر از جهان طبیعی داشته باشد. با توجه به اینکه طبیعت‌گرایان چه چیزی را خدا محسوب دارند، یعنی چه چیزی را به عنوان پرستش برگزینند، بهتر می‌توان صورتهای طبیعت‌گرایانه از دین را رده‌بندی کرد.^۳

به طور کلی طبیعت‌گرایان یا ابطال‌گرایان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

عده‌ای برای رد و ابطال ادیان الهی از تسبیینهای جامعه‌شناسانه استفاده می‌کنند که «امیل دورکیم» از مهم‌ترین

۱. ر.ک: همان، ص ۱۴۵.

۲. «Naturalism» (= ابطال‌گرایی)

۳. دین و چشم اندازه‌های نو، پی. آلستون و دیگران، ترجمه غلام حسین توکلی، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۷۷.

می‌شود، منحصرأ در یک دین خاص وجود دارد یا از طریق یک دین خاص به دست می‌آید. ادیان دیگر نیز حاصل حقایقی هستند، اما منحصرأ یک دین حق وجود دارد؛ دینی که راه رستگاری و رهایی را پیش روی ما می‌نهد. به این ترتیب، پیروان سایر ادیان، حتی اگر دین‌دارانی اصیل و به لحاظ اخلاقی درستکار باشند، نمی‌توانند از طریق دین خود رستگار شوند. برای نجات دادن این افراد باید یگانه راه رستگاری را به ایشان نشان داد. و «دین‌داران به دلیل داشتن چنین اعتقادات انحصارگرایانه‌ای است که با

طرفداران این نظر به شمار می‌رود. وی دین را مظهر قدرت جامعه می‌داند و منشأ آن را «توتیمسم»^۱ (Totemism) ذکر می‌کند.

گروه دوم برای نفی دین، تقریری روان‌شناختی به کار می‌برند. زیگموند فروید بنیان‌گذار روان‌کاوی، از مشهورترین آنهاست. به اعتقاد فروید^۲، دین، فرافکنی ساخته و پرداخته ذهن آدمی است.

نظریه طبیعت‌گرایانه دین، به سرعت مورد نقد جدی قرار گرفت و مهم‌ترین نقد بر این دیدگاه این بود که این دیدگاه غیرتاریخی، خیال‌پردازانه (غیرواقع‌گرایانه) و بیشتر شبیه یک

فرضیه است که بدون دلیل و غیرمطابق با نمونه‌های خارجی است.

ب) انحصارگرایی (Exclusivism)

انحصارگرایی که دیدگاه غالب در بین اندیشمندان و دین‌داران می‌باشد، نجات و رستگاری را منحصر در یک دین می‌داند و بقیه ادیان را منسوخ می‌داند؛ «انحصارگرایان معتقدند رستگاری، رهایی، کمال یا هر چیز دیگر که هدف نهایی دین تلقی

۱. «توتیم» موجودی است (که ممکن است، گیاه، جماد و حیوان باشد) که اعضای یک قوم آن را مقدس می‌شمارند و آن را مورد پرستش قرار می‌دهند. ر.ک: نظریه جامعه‌شناسی دین (رویکردی انتقادی به دیدگاه دورکیم در باب خاستگاه دین)، ولی الله عباسی، معرفت، ش ۵۶، ص ۴۲-۵۳.

۲. ر.ک: آیسندة یک پندار، زیگموند فروید، ترجمه هاشم رضی؛ رویکردی انتقادی به خاستگاه دین از نگاه فروید، غلامحسین توکلی، نشر سهروردی؛ درآمدی بر منشأ دین، علی رضا قائمی‌نیا، انجمن معارف، ص ۱۲۱-۱۳۱. و:

1. pals, Daniel, seven theories of religion, oxford, 1996.

غیرت و اشتیاق دین خود را تبلیغ می‌کنند.^۱

ج) شمول‌گرایی (Inclusivism)

پاسخ دیگری که در قبال تعدد ادیان مطرح شده، دیدگاه «شمول‌گرایی» یا «اشتراک‌پذیری» دینی است. این دیدگاه که نسبت به دیدگاه پیشین (انحصار‌گرایی) متساهل‌تر و آسان‌گیرتر می‌باشد، معتقد است که گرچه یک دین حق وجود دارد و سایر ادیان باطل‌اند، ولی پیروان سایر ادیان که انسانهای مخلص و درست‌کاری هستند، هرچند از دین حق چیزی نشنیده باشند، ولی می‌توانند رستگار شوند.

کارل راند، از این افراد (جستجوگران حقیقی خدا در ادیان دیگر) تحت عنوان «مسیحیان گمنام» نام می‌برد.^۲

د) وحدت‌گرایی

«وحدت‌گرایی» یکی دیگر از رهیافتهاست که توسط سنت‌گرایانی مانند: شوان، رنه گنون، سید حسین نصر و... نسبت به تکثر ادیان و مذاهب اتخاذ شده است.

وحدت‌گرایان معتقدند که گوهر

و لب لباب همه ادیان یکی است. ادیان در نهایت، یک پیام دارند، ولی به شیوه‌های گوناگونی آن را مطرح می‌کنند. به اعتقاد وحدت‌گرایان، ادیان، حقیقتی دارند و رقیقتی؛ گوهری دارند و صدفی؛ باطنی دارند و ظاهری؛ هسته‌ای دارند و پوسته‌ای و اختلافات ادیان فقط در ظواهر، صدفها، و پوسته‌هاست، نه در حقیقت و گوهر و باطن و البته این اختلافات، ظاهری و ضروری است و «همه راهها به یک قله ختم می‌شوند».^۳

دیدگاه «شمول‌گرایی» و همچنین «وحدت‌گرایی»، دچار اشکالات فراوانی است که ضمن تحلیل و ارزیابی پلورالیسم دینی، این اشکالات مشخص خواهد شد.

ه) پلورالیسم دینی^۴

«پلورالیسم دینی» در باب تکثر

۱. عقل و اعتقاد دینی، مایکل پترسون و دیگران، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی (طرح نو)، ص ۴۰۲.

۲. رک: مقاله «تعدد ادیان» جان هیک، در: دین پژوهی، ویراسته میرچا الیاده، ص ۳۴۱.

۳. معرفت و معنویت، سید حسین نصر، ترجمه انشاء الله رحمتی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ص ۵۵۹.

۴. Religious pluralism.

بسیانگر مواجهاتی اصیل - هر چند مختلف - با خداوندند. آنها ادراکات و تصورات مختلف از حق و غایت و واکنشهای گوناگون نسبت به آن را در درون شیوه‌های مهم و متنوع زندگی انسانی تجسم می‌بخشند.

دغدغه‌هیک این است که ادعای صدق و ادعای رستگاری را که در هر دین بزرگی می‌بیند، با یکدیگر تلفیق کند. از اینرو، سنتهای بزرگ دینی را باید «فراخناهای» بدیل رستگاری یا «راههایی» دانست که زنان و مردان در آن می‌توانند تحقق رستگاری یا آزادی را بنگرند.

کثرت‌گرایی برخلاف ادعاهای مطلق انحصارگرایی و شمول‌گرایی، مدعی است که حقیقت محتوای ایمان می‌تواند از تنوع تعبیرات مشروع برخوردار باشد؛ چنان‌که «گاوین دوکستا» در این خصوص می‌گوید: «دیگر ادیان به یکسان، راههای

ادیان، یکی دیگر از رویکردها می‌باشد که امروزه بر سر زبانها جاری است و واکنشهای مختلفی را برانگیخته است. کثرت‌گرایی دینی نظریه‌ای است در باب حق بودن ادیان و محق بودن دین‌داران و بر آن است که کثرتی که در عالم دین ورزی پدید آمده است، حادثه‌ای است طبیعی که از حق بودن ادیان و محق بودن دین‌داران پرده برمی‌دارد. کثرت‌گرایان معتقدند ادیان مختلف، می‌تواند پاسخها و واکنشهای گوناگونی نسبت به واقعیت غایی، در راه رستگاری انسان باشند^۱ و «علی رغم این واقعیت که ادیان، دعاوی متناقضی نسبت به حق، نجات، درست و نادرست و یا باید و نبایدها، تاریخ و بشر دارند، کثرت‌گرایان دینی مدعی هستند که همه این اقوال می‌توانند نسبت به جهان‌بینی‌هایی که خاستگاه آن اقوال هستند، صحیح باشند.»^۲

«جان هیک» در برابر ادعای مطلق‌گرایی هر دینی از جمله مسیحیت، بیش از هر کس دیگری این مفهوم کثرت‌گرایی را پرورانده است. او می‌گوید که ادیان بزرگ جهان،

۱. ر.ک: پلورالیسم: دین، حقیقت، کثرت، هادی صادقی، (مؤسسه طه)، ص ۵۵.

۲. اسلام و کثرت‌گرایی دینی، محمد لگنهاوزن، ترجمه نرجس جواندل (موسسه طه)، ص ۳۶.

القدوس) و اسلام به «توحید، و...» قائل است. بنابراین، به نظر اینان، اختلافات ادیان، هیچ اشکالی ندارد و همه آنها از یک حقیقت سخن می‌گویند و در نهایت، انسان را به نجات و رستگاری می‌رسانند.

زمینه‌های پیدایش پلورالیسم

دینی

به طور خلاصه، بحث پلورالیسم دینی از زمانی در اروپا آغاز شد که فرقه‌های مختلف مسیحیان، با عدم پذیرش مسیحیت از جانب مهاجرینی روبه رو شدند که بعد از جنگ جهانی دوم و در نیمه دوم قرن بیستم از کشورهای مختلف به اروپا مهاجرت کرده بودند. این در حالی بود که مسیحیان، قرن‌ها شعار «بیرون از کلیسا هیچ نجاتی وجود ندارد» را سر داده بودند و معتقد بودند: همه آنهايي که مسیحی نیستند، اهل جهنم‌اند.

رستگاری به سوی خدا هستند و این مدعا را که مسیحیت، تنها راه رستگاری... یا کامل‌ترین راه رستگاری است، باید به دلائل قوی کلامی یا پدیدار شناختی رد کرد.^۱

در کشور ما هم برخی از روشنفکران به تبعیت از جان هیک (طراح طرح پلورالیسم دینی) و با استفاده از تجربیات قبلی محمد ارکون و فضل الرحمان، سعی در بومی‌سازی نظریه پلورالیسم دینی دارند. یکی از روشنفکران در این باره می‌گوید:

«مسئله پلورالیسم، کاوشی است در تبیین کثرت بالفعل موجود در عالم. آن هم کثرتهای نازدودنی و متباین و گاه متعارض.^۲»

به طور خلاصه، پلورالیستها مدعی‌اند که تمامی ادیان، مذاهب و مکاتبی که در جهان وجود دارند، می‌توانند انسان را به نجات و حقیقت برسانند و موجب سعادت و رستگاری او بشوند؛ هر چند که این ادیان، ادعاهای متفاوت و متعارضی نسبت به یک حقیقت دارند؛ مانند اینکه: مسیحیت به «ثلیث» (پدر، پسر، روح

۱. جستارهایی در فلسفه دین، الوین پلانتینجا، ترجمه مرتضی فتاحی زاد، انجمن معارف، ص ۹۳.

۲. صراط‌های مستقیم، عبدالکریم سروش، ص ۵.

پلورالیستها مدعی اند که تمامی ادیان، مذاهب و مکاتبی که در جهان وجود دارند، می توانند انسان را به نجات و حقیقت برسانند و موجب سعادت و رستگاری او بشوند؛ هر چند که این ادیان، ادعاهای متفاوت و متعارضی نسبت به یک حقیقت دارند

متکلمان و متفکران دین مسیح نیز این طرز فکر را قبول نمی کنند.^۱

مهم ترین شخصی که این اندیشه را (یعنی اینکه نجات منحصر در دین مسیح نیست = پلورالیسم دینی) مطرح کرد، جان هیک متکلم پروتستانی بود.

این موضوع چالشی بود برای متکلمان مسیحیت؛ چون بعضی از آنها می دیدند که در میان غیر مسیحیان، افراد خوبی پیدا می شوند. به همین خاطر، راجع به این تعلیم کلیسا بد گمان شدند و چند پیشنهاد برای کنار گذاشتن این شعار مطرح کردند. اولین عکس العمل در نوشتار کارل رائر دیده شد. او که متکلمی کاتولیک بود، همزمان با جنگ جهانی دوم و پس از آن، پیشنهاد کرد که مسیحیان می توانند قبول کنند کسی رسماً مسیحی نباشد و خدا به خاطر طرز زندگی و اخلاقش او را مسیحی حساب کند. آنان در حقیقت مسیحی هستند، ولی در ظاهر مسیحی نیستند. این اولین تلاش بود. بعد از آن بعضی از نویسندگان گفتند: این کافی نیست و دیدگاه منصفانه نسبت به این مسئله این است که بگوییم: نجات یافتن شخص، به خاطر پاک شدنش به وسیله دین خودش می باشد. پس ما باید قبول کنیم که برای نجات، راههای مختلفی وجود دارد و منحصر به دین مسیح نیست.

این بیان که راه نجات منحصر به یک دین نیست، کاملاً مخالف آن چیزی است که برای قرنها در دین مسیح بود و اکثر

۱. ر. ک: محمد لگنهاوزن، در: مجموعه پلورالیسم دینی، (تحقیق: مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه)، ص ۸۱-۸۲